

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

مستثنیات حکم حریم خصوصی

نظارت دولت بر عملکرد مردم

۷۶- جلسه پانزدهم

۹۳/۱۱/۳۰

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

گفتیم که برای سلطان جایز است زمانی که بحران غذایی پیش آمده در معاملات بازار ورود کرده و دستور دهد که از احتکار جلوگیری شود.

این امر بر ورود به حریم خصوصی اشخاص در سطح خرید و فروش‌ها و جواز نظارت بر بازار لااقل در شرائط کمبود غذا دلالت دارد.

همچنین از آنجا که حضرت به اخراج مواد غذایی امر و از حبس آن نهی کرده‌اند در نتیجه معلوم می‌شود که کالا در منطقه‌ای بوده که داخل در حریم خصوصی فروشنده بوده است ولی حضرت نه تنها خبردهندگان را از ورود در این حریم نهی یا توبیخ نکرده بلکه خود نیز در آن وارد شده است. چون امر و نهی در حوزه حریم خصوصی نیز نوعی ورود در حریم خصوصی اشخاص است. و روشن است که اطلاع از آنچه بیرون نیست و محبوس است غالباً نیازمند نوعی تجسس است ولی حضرت مردمی را که این خبر را آورده‌اند نهی نکرده بلکه محتکر را از حبس نهی کرده است. (مفاد روایات از جمله روایت ضمیره و غیاث بن ابراهیم و غیر آن...)

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

همچنین محقق بحرانی (م. ۱۱۸۶) نیز به اختلافی نبودن این حکم تصریح کرده است.

(الحدائق الناضرة، ج ۱۸)

محقق عاملی (م. ۱۲۲۶) جبر بر بیع را اجماعی و غیر اختلافی دانسته و می نویسد:

و يُجبر على البيع إجماعاً كما في المذهب البارع و لا كلام فيه كما في إيضاح النافع و لا نعلم فيه خلافاً كما في التنقيح و هو كذلك، إذ هو صريح المقنعة و النهاية و كل ما تأخر عنهما ممّا تعرّض له فيه... و هل يختص الإجماع و التسعير بالإمام أو نائبه أم يجوز لعدول المسلمين؟

الظاهر الثاني عند عدم التمكن من الوصول إلى الحاكم. (مفتاح الكرامة، ج ۱۲)

- مذهب البارع (ابن فهد حلی م. ۸۴۱)

- إيضاح النافع (شیخ ابراهیم قطیفی م. بعد ۹۴۵) شرح کتاب مختصر شرائع محقق حلی است.

- تنقيح الرائع فی مختصر الشرائع (مقداد سیوری م. ۸۲۶) است و این (عدم خلاف)

یعنی اگر امکان وصول به حاکم باشد او باید این کار را انجام دهد.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

سید علی طباطبایی (م. ۱۲۳۱) نیز در مسأله ادعای اجماع کرده است:

و يُجبر المحتكر على البيع مع الحاجة إجماعاً، كما في المذهب و التنقيح و كلام جماعة؛ و هو الحجة، مضافاً إلى الخبرين، في أحدهما أنه (صلى الله عليه و آله) بالمحتكرين فأمر بحكرتهم إلى أن تخرج في بطون الأسواق و حيث ينطلق الناس إليها. (رياض المسائل، ج ۸)

ایشان نیز به نقش انحصاری حاکم اشاره‌ای ندارند.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

صاحب جواهر (م. ۱۲۶۶) در شرح اجبار به فروش نوشته است:

و كيف كان فقد قيل لا خلاف بين الأصحاب في أن الامام و من يقوم مقامه و لو عدول المسلمين يجبر المحتكر على البيع بل عن جماعة الإجماع عليه على القولين، و لعله لما سمعته من الأخبار السابقة، فلا يشكل ذلك بناء على الكراهة، لمنافاته قاعدة عدم جبر المسلم على ما لا يجب عليه لاحتمال اختصاص ذلك بالخروج عن القاعدة بالأدلة المزبورة المؤيدة، باقتضاء المصلحة العامة، و السياسة ذلك في كثير من الأزمنة و الأمكنة (شرائع الاسلام، ج ۲۲)

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

آقا ضیاء الدین عراقی (م. ۱۳۶۱) با این که قائل به کراهت شده‌اند ولی الزام محتکر را بدون اشکال می‌دانند:

لا إشكال حتى على الكراهة إلزام المحتكر بالبيع، و في النص أمر النبي صلى الله عليه و آله ببيعه، نعم ليس لهم تقويمه بسعر مخصوص، لاستنكار النبي ذلك، فراجع الوسائل حيث أنه عقد بابا لذلك، و الله العالم بأحكامه. (شرح التبصرة، ج ۵)

در کلام ایشان نیز تصریحی به وظیفه خاص حاکم نشده است.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

امام خمینی (م. ۱۴۰۹) نیز حکمی مشابه دارند:

مسألة ۲۳ - یحرم الاحتکار، و هو حبس الطعام و جمعه یتربص به الغلاء مع ضرورة المسلمين و حاجتهم و عدم وجود من یبذلهم قدر کفایتهم نعم مجرد حبس الطعام انتظارا لعلو السعر مع عدم ضرورة الناس و وجود البازل ليس بحرام و إن كان مکروها، و لو حبسه في زمان الغلاء لصرفه في حوائجه لا للبيع فلا حرمة فيه و لا کراهة، و الأقوی عدم تحققه إلا في الغلات الأربع و السمن و الزيت، نعم هو أمر مرغوب عنه في مطلق ما یحتاج الیه الناس، لكن لا یثبت لغير ما ذکر أحكام الاحتکار، و یجبر المحتکر علی البيع، و لا یعین علیه السعر علی الأحوط، بل له أن یبيع بما شاء إلا إذا أجحف، فیجبر علی النزول من دون تسعیر علیه، و مع عدم تعیینه یعین الحاکم بما یری المصلحة. (تحریر الوسيلة، ج ۱)

ذکر کلمه حاکم در انتهای عبارت قرینه خوبی است که وظیفه اجبار را بر حاکم حمل کنیم.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

از جمله معاصران محققانی که به حرمت احتکار و لزوم اجبار او به فروش قائلند :

- محقق خوئی (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۳)،
- استاد مرحوم میرزا جواد آقای تبریزی (منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۷)،
- استاد وحید خراسانی (حاشیه منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۹)،

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

همچنین محقق فیاض گفته‌اند اگر مصلحت عامه برای اسلام و مسلمانان باشد حاکم شرع می‌تواند از احتکار کالاهای دیگر منع کند:

و قد تسأل: أن ما يحتاج إليه عامة المسلمين - ما عدا الطعام - من الملبس و المسكن و المركب و غيرها من اللوازم و المتطلبات الحياتية اليومية، هل يحرم احتكاره أو يجوز؟ و الجواب: أن جوازه غير بعيد ما دام لم يترتب على احتكار تلك الأشياء اختلال بالنظام و الهرج، و المرج، و إلا لم يجز، فإذا وصل إلى هذه الحالة، فإن قام المحتكر بعرض هذه الأشياء في الأسواق فهو المطلوب، و إلا أجبره الحاكم الشرعي على ذلك، بل للحاكم الشرعي منعه عن أصل الاحتكار و فكه إذا رأى فيه مصلحة عامة للإسلام و المسلمين و إن لم يصل إلى حد اختلال النظام.

(منهاج الصالحين (للفياض)، ج ۲)

در اینجا آنچه ملاک است تشخیص حاکم بر مصالح نظام اسلامی و مسلمانان است. از اینجا قرینه می‌شود که مقام مجاز برای الزام به فروش اجناسی که در آنها احتکار می‌آید حاکم اسلامی است. ایشان همچنین در رساله خود تصریح کرده‌اند که حاکم شرع مقامی مجاز برای جلوگیری از احتکار است. (رساله توضیح

المسائل)

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

مولی احمد نراقی (م. ۱۲۴۵) نیز دلیل این حکم را اجماع و وجوب نهی از منکر دانسته و گفته:

يجبر المحتكر على البيع إجماعاً حتى من القائل بالكراهة، كما في المذهب و التنقيح و كلام جماعة. و هو - كما مرّ - من الشواهد القويّة على الحرمة، لاستبعاد جواز الحبس و وجوب الجبر على تركه. ثمّ الدليل على الإجماع - بعد الإجماع - وجوب النهي عن المنكر على القول بالحرمة. و أمّا الاستدلال برواية حذيفة المتقدّمة و رواية ضمرة: «أنّه - يعني رسول الله صلى الله عليه و آله - مرّ بالمحتكرين فأمر بحكرتهم أن يخرج إلى بطون الأسواق، و حيث ينظر الناس إليها، فقل لرسول الله صلى الله عليه و آله: لو قومت عليهم، فغضب صلى الله عليه و آله حتى عرف الغضب في وجهه و قال: أنا أقوم عليهم؟! إنّما السعر إلى الله عزّ و جلّ، يرفعه إذا شاء و يخفضه إذا شاء». فضعيف، لأنّ أمره صلى الله عليه و آله بالبيع لا يدلّ على وجوب الأمر على غيره، بل و لا على وجوبه عليه أيضاً. و إذ قد عرفت أنّ وجوبه من باب النهي عن المنكر لا يكون مختصّاً بالإمام، بل يجب على الكلّ. (مستند الشيعة، ج ۱۴)

در بین متأخران محقق نراقی از جمله کسانی است که به تفصیل به بحث از ادله این حکم پرداخته است. ایرادی که بنابر این قول ممکن است به نظر رسد این که بنابر قول ایشان وجوب از باب نهی از منکر است نه از باب وجوب دخالت امام در بازار بنابر این از این روایات استفاده نمی شود که دخالت امام در بازار و در نتیجه تجسس و نظارت او بر آن از این باب واجب باشد. ولی کلام ایشان از جهات متعددی محل اشکال است.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

در پاسخ باید گفت: اولاً حتی اگر امام علیه السلام از باب نهی از منکر دخالت در بازار کنند باز نتیجه آنست که اطلاق حرمت لاتجسسوا در این موارد شکسته شده است چون در این موارد ایشان نیز قائل به وجوب این کار نه تنها بر امام بلکه بر تمام مسلمانان است. به عبارت دیگر امام یا حاکم نیز یکی از مسلمانان است بنابر قول محقق نراقی او نیز می‌تواند از احتکار جلوگیری کند.

دوم این که روشن است که حسب فرض منکر بودن احتکار از خود این روایت معلوم می‌شود بنابر این وجهی ندارد که امر در این روایت را حمل بر نهی از منکر کنیم چون قبل از انعقاد کلام حضرت و امر حضرت حسب فرض، هنوز منکری ثابت نیست. مگر این که گفته شود که منکر بودن احتکار از دلیلی غیر از این روایات برای مردم ثابت بوده است که این امر محل تأمل است.

۴-۲- نظارت و دخالت دولت در احتکار:

سوم این که آنچه در این مسأله درصدد اثبات آن هستیم وجوب اجبار است نه حرمت احتکار و آنچه اجبار را مستقیماً و بدون واسطه واجب می‌کند این که اجبار مصداقی از امر به معروف باشد نه مصداقی از نهی از منکر و حضرت نیز در روایت ضَمَرَة و نیز صدر روایت حذیفه امر به اخراج کالا کرده است (گرچه در ذیل روایت حذیفه نهی از حبس نیز شده است) و از این جهت از نظر ظاهری کلام محقق نراقی با امر پیامبر سازگار نیست مگر این که بگوییم امر به شیء نهی از ضد می‌کند که در جای خود گفتیم که این نهی شرعی نبوده بلکه عقلی و لازمه امر شرعی است. یا بگوییم اجبار مصداقی از نهی از منکر (یعنی احتکار) است در این حال وجهی ندارد که فقها به صورت استقلالی از وجوب اجبار بحث کنند. بحث استقلالی فقها از وجوب اجبار نشان از آن دارد که این واجبی است در کنار حرمت احتکار نه یک حکمی که لازمه حرمت احتکار باشد. بنابر این وجهی برای تمسک به نهی از منکر برای اثبات وجوب اجبار نیست بلکه شایسته‌تر بود که ایشان تمسک به امر به معروف می‌کردند.

و الحمد لله رب العالمين